

رمزگشایی از یک اتفاق مهم

محمدباقر تاج‌الدین

دکترای جامعه‌شناسی و استادیار دانشگاه

چگونه نهاد جامعه در ایران قوی‌تر و خوداتکاتر از گذشته است؟

به رغم برخی بدبینی‌هایی که برخی اندیشمندان و متفکران درباره ضعیف شدن نهاد جامعه ایران به دلایلی چون افزایش مشکلات معیشتی، بیکاری، تزاید حاشیه‌نشینی، محرومیت اجتماعی، آسیب‌ها و دیگر مسائل اجتماعی ارائه می‌کنند اما به نظر می‌رسد که لزوماً چنین نیست و جامعه ایران و مردمانش از طیف‌ها و گروه‌های مختلف دارای هوشمندی‌ها و توانمندی‌هایی شده‌اند که نظیری در گذشته آن وجود ندارد. به عبارت دیگر، جامعه ایران در مجموع و به رغم همه مشکلاتی که تحمل می‌کند هم در مقایسه با گذشته خود و هم در مقایسه با مجموعه حاکمیتی از هوشمندی‌ها و توانمندی‌هایی به شرح زیر برخورد کرده است که همه اینها باعث می‌شود که امروزه «نهاد جامعه» در ایران قوی‌تر و خوداتکاتر از گذشته شود:

۱. افزایش سطح تحصیلات و سواد جامعه

واقعیت این است که گروه‌های مختلف اجتماعی بویژه نسل جدید از سطح سواد و تحصیلات مناسبی برخوردار شده‌اند و در نتیجه، قدرت تحلیل امور گوناگون اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی‌شان نیز افزایش یافته است. افزایش سواد و تحصیلات منجر به افزایش مطالعات در زمینه‌های گوناگون شده و در نتیجه افراد براحتمی خواهند توانست نسبت به بسیاری از امور زندگی شخصی و اجتماعی آگاهی بیشتری پیدا کنند. به عنوان مثال اینکه براحتمی بدانند که دولت‌مردان در زمینه اقتصاد یا سیاسی دست به چه کارهایی می‌زنند و آن گاه براحتمی کارگزاران را مورد پرسش و خطاب قرار دهند؛ کاری که حقیقتاً در گذشته تقریباً امکان‌پذیر نبود اما امروزه براحتمی امکان‌پذیر است. نکته کلیدی و مهم در بحث حاضر این است که سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های مختلفی که توسط مجموعه حاکمیتی اجرایی شود نسبت به سطح سواد و تحصیلات جامعه دچار تأخیرهای جدی است و دست کم فایده‌ای برای نسل جدید جامعه ندارد. برای مثال کتاب‌های درسی که در مدارس تدریس می‌شوند از سطح آگاهی نسل جدید عقب مانده و اساساً نسل جدید به سختی با این کتاب‌ها ارتباط برقرار می‌کنند.

۲. افزایش سطح عقلانیت و دانش جامعه

کسر قابل توجهی از افراد جامعه تنها باتکیه بر «استدلال عقلانی و علمی» پذیرای مباحث می‌شوند و هر حرف و سخنی را بدون برخورداری از پایه و اساس عقلی و علمی نمی‌پذیرند. البته ناگفته نماند که اگرچه کیفیت آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها در مواردی دچار افت و خیزهایی شده است اما در نگاهی کلی همین مدارس و دانشگاه‌ها با وجود تمامی ضعف‌های آموزشی و علمی که دارند دست کم زمینه را برای رشد و تقویت عقلانیت و تفکر در بین افراد جامعه و بویژه نسل جدید فراهم کرده است. همچنین گسترش رسانه‌های جمعی و شبکه‌های مجازی نیز موجب تقویت استدلال عقلانی و علمی افراد جامعه شده‌اند و در نتیجه هر اقدامی که سیاستگذاران و برنامه‌ریزان جامعه انجام می‌دهند در صورتی که فاقد حداقلی از استدلال‌های عقلی و علمی باشد ابرو و عقیم می‌ماند.

۳. افزایش هوشمندی‌ها و توانمندی‌های جامعه

در اثر بسط و گسترش مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و در مجموع مراکز فکری و فرهنگی و همچنین سازمان‌های مدنی و غیردولتی، افراد جامعه دارای هوشمندی‌ها و

۶ عاملی که باعث شد «نهاد جامعه» در ایران قوی‌تر و خوداتکاتر از گذشته شود

توانمندی‌هایی شده‌اند که دیگر مجموعه حاکمیتی به سادگی نمی‌تواند هر اقدامی را بدون توجه به هوشمندی‌ها و توانمندی‌های مردمان جامعه انجام دهد. هوشمندی‌ها و توانمندی‌های مردم جامعه تا آنجا افزایش یافته که همواره بخش مهمی از سیاست‌ها و برنامه‌های سیاستگذاران توسط بخش‌های فکری و فرهنگی جامعه به چالش کشیده می‌شود؛ چرا که آنها را مطابق با شأن و جایگاه خود نمی‌دانند. برای مثال وقتی دولت اقدام به پرداخت یارانه معیشتی می‌کند تقریباً تمامی افراد جامعه اینگونه تحلیل می‌کنند که با وجود این همه ثروت و سرمایه‌ای که کشور دارد هنوز ۷۰ درصد افراد جامعه زیر خط فقر هستند!

۴. افزایش قدرت نقادی و پرسشگری جامعه

افزایش قدرت نقادی و پرسشگری از ویژگی‌های جهان مدرن است و در جهان سنتی اساساً نقد و پرسشگری جایگاهی نداشت. انسان مدرن که دارای زیست جهان خاص مربوط به این جهان است همواره درباره بسیاری از امور دست به نقادی و پرسشگری می‌زند. جامعه ایران هم به عنوان جامعه‌ای که در حال مدرن شدن است و بخش‌هایی از این جامعه ویژگی‌های جهان مدرن را به خود گرفته، کم و بیش دارای روحیه نقادی و پرسشگری شده است به گونه‌ای که به نقادی و پرسشگری درباره سیاست‌ها و برنامه‌های کارگزاران اقدام می‌کند و به چون و چرا در این زمینه‌ها می‌پردازد. به عبارت دیگر، سیاست‌ها و برنامه‌های کارگزاران نمی‌توانند دست کم از زیر تیغ نقادی و پرسشگری بخش علمی و فکری جامعه در امان بمانند. نخبگان و اندیشمندان جامعه همواره دست به نقد سیاست‌ها و برنامه‌های سیاستگذاران در زمینه‌های مختلف می‌زنند و در ضمن طرح‌ها و ایده‌های بهتری نیز ارائه می‌کنند؛ حتی اگر چندان هم مورد توجه مجموعه سیاستگذاری قرار نگیرد.

۵. افزایش سطح مطالبه‌گری جامعه از سیاستگذاران

در سال‌های گذشته بواسطه افزایش میزان آگاهی افراد جامعه کم و بیش سطح مطالبه‌گری آنان نیز بیشتر شده است به گونه‌ای که دولت با انبوهی از مطالبه‌گری‌های صنفی معلمان، کارگران، کارکنان، مال‌باختگان بانک‌ها و مؤسسات مالی و پولی و سایر گروه‌ها روبه‌رو شده است. افزایش این سطح از مطالبه‌گری نشان از این موضوع مهم دارد که سیاستگذاران نمی‌توانند به تمامی مطالبات مردم پاسخ دهند و از این منظر با نوعی تأخیر مواجه شده‌اند. ضمن اینکه برخی ناکارآمدی‌هایی که در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها وجود دارد خود موجب افزایش سطح مطالبه‌گری مردم نیز شده است.

۶. افزایش سطح نیازها و خواسته‌های جامعه

این موضوع روشن است که سطح نیازها و خواسته‌های مردم طی سال‌های اخیر هم روبه‌ازدیاد نهاده و هم بسیار متنوع و متکثر شده است به گونه‌ای که کارگزاران توان برآورده کردن این حجم از نیازها را ندارند. در واقع، همه‌سخن در این است که سیاستگذاران با ساده‌سازی‌هایی که طی دهه‌های اخیر داشته‌اند گمان کرده‌اند که صرف برطرف کردن برخی نیازهای مردم دیگر خیال‌شان از هر حیث راحت می‌شود، اما غافل از اینکه در جهان مدرن با بسط و گسترش رسانه‌های جمعی و همچنین گسترش روند جهانی شدن، تعداد و تنوع نیازهای مردمان جامعه روبه‌تزیاید نهاده و برآورده کردن این نیازها که بسیار هم پیچیده شده‌اند نیازمند حساس‌گری‌های پیچیده‌ای است. حاکمیت حالا با جامعه‌ای روبه‌رو شده است که براحتمی و آسانی نمی‌تواند نیازهای گسترده و پیچیده جامعه را برآورده نماید و از این حیث باز هم دچار تأخیر جدی شده است. این شش عامل عمده در ایران باعث شده تا شاهد یک اتفاق مهم در «نهاد جامعه» باشیم؛ اینکه امروز نهاد جامعه بیش از پیش به خود متکی شده است و قوی‌تر از گذشته با چالش‌هایش روبه‌رو می‌شود و حاصل همین ۶ تغییر اساسی در جامعه است.

